

خوراک‌های آئینی در مناسک صابئین مندائی ایران

راضیه محب

دانشجوی کارشناسی ارشد ایران‌شناسی

با نظر خانم دکتر کتایون مزداپور

درآمد

جلگه خوزستان به گواهی اطلاعات تاریخی و یافته‌های باستان‌شناسی، تمدن‌ها و نحل‌های مهم فکری را در دل خود پرورش داده است. عبور، حضور و استقرار اقوام مختلف در این سرزمین گواهی بر اهمیت جغرافیای - تاریخی منطقه است.

صابئین مندائی از جمله اقوام مهاجری هستند که گویا از اواخر دوره اشکانی به دلایل سیاسی - مذهبی به این منطقه کوچ کرده و به دلیل جاذبه‌های اجتماعی - طبیعی و وجود رودخانه‌های پرآبی چون کرخه و کارون که برای اجرای مناسک آنها ضروری بود، در آنجا سکونت گزیدند. آنها تا حدود قرن ۹ هجری در منطقه حویزه ساکن شدند اما پس از تسلط مشعشعیان بر آن، به شوشتر مهاجرت نموده و در این شهرستان ساکن گردیدند.

در حال حاضر نیز اکثریت این قوم در شهر اهواز ساکن بوده و همچنان تحت نظر و رأی روحانیون و بزرگان دینی خود به اجرای دقیق مناسک خویش مشغول هستند. در این مقاله موضوع آیین‌های مندائیان با محور خوراک، با روش مشاهده، مصاحبه و گفتگو با صاحب‌نظرانی



از این دیانت و در عین حال روش اسنادی و کتابخانه‌ای با مراجعه به منابع، مورد بازخوانی و دقت قرار گرفته است.

قومی با قدمتی بسیار، قرن‌هاست در جنوب ایران و عراق زندگی می‌کنند. آنها خود را صاحب دیانتی خاص و با عنوان «صابئین مندائی» معرفی می‌کنند.

به رغم مطالعاتی که طی سال‌های اخیر پیرامون دیانت، اعتقادات، موطن اولیه و تاریخ این گروه صورت گرفته، همچنان پرسش‌ها و تناقض‌های زیادی در حاشیه آنها وجود دارد. همین موضوع گویای اهمیت تحقیق و تفحص بیشتر برای شناخت آنها است. این توجه و اختلاف تا یافتن مفهوم دقیق کلمه صابئین نیز پیش رفته، چنانچه جهت دریافت دقیق مفهوم این کلمه، معانی مختلفی بیان شده است. در یک جمع بندی می‌توان برای این عنوان مفاهیم زیر را در نظر گرفت: صب با فتح و تشدید به معنی «ریختن» و «ریخته شدن در آب» است. همچنین معنای «مرد عاشق» نیز می‌دهد. در بعضی از منابع صُب با ضم به معنی آنچه که از طعام یا آب ریخته می‌شود، معنی شده است.

دهخدا برای این واژه دو معنی در نظر گرفته است. وی این کلمه را مشتق از ریشه «ص ب ع» (عبری) و به معنای فرورفتن در آب می‌داند. وی با توجه به این معنا مغسله و کسانی که تعمید را با تغسیل در آب اجرا می‌کنند بهترین معنی برای این کلمه می‌داند.

در هر حال اصل و ریشه «صابی» را عربی بدانیم یا آرامی، دریافتن معنی دقیق آن تفاوت اساسی دارد. چنانچه اگر اصل آن را عربی بدانیم، مفهوم «تمایل به خروج از راه اصلی به راه دیگر» برداشت می‌شود که البته با مفهوم و کاربرد قرآنی آن همخوانی ندارد. زیرا در قرآن آنها در ردیف یهود، نصاری و مجوس هم شمرده شده‌اند. حال اگر ریشه این کلمه را «عبری» بدانیم، معنی فرو بردن در آب یا همان غسل و تعمید از آن مستفاد می‌گردد. در عین حال گاه ریشه «صاووت» عبری به معنی ستاره را اصل صابی دانسته‌اند و علت این امر توجه کامل آنها به اجرام سماوی است.

امروزه در زبان محلی مردم خوزستان این گروه، «صَبی» نامیده شده‌اند. که به ریشه «صُب» به معنی «ریخته شده از طعام و آب» نزدیک است. استفاده از آب برای اجرای مناسک، مهمترین

دلیل برای ارتباط این لفظ با این گروه است و استفاده از عنوان مندایی در کنار صابئین توسط معتقدان به آن، مفهوم «معرفت» را در کنار معنای «پیروان عرفان» یا «گروندگان به شناخت هستی و عالم» می‌رساند.

این گروه خود را حامل سنت دینی خاصی معرفی می‌کنند که سابقه آن به دورانی بس کهن و تا آدم ابوالبشر می‌رسد. صابئین موجودیت و حیات خود را به زمان اولین انسان یعنی آدم ابوالبشر، مربوط می‌دانند. این ارتباط پس از طوفان نوح به «سام» فرزند نوح و بالاخره به یحیی پیامبر(ع) می‌رسد. از نظر آنها در این مسیر تاریخی شرایط و موقعیت‌های خاصی بر آنها گذشته است که حکایت از محوریت اعتقادی و تمدنی آنها دارد. در عین حال آنها از جمله گروه‌های مذهبی محسوب می‌شوند که حامل سنت‌های بسیار قدیمی «گنوستیکی» هستند و به دلیل مدار بسته ارتباطات به جهات قومی- مذهبی بسیاری از خصوصیات، مناسک و اعتقادات را درون خود نهفته نگه داشته‌اند. در کنار آن، رابطه تنگاتنگ مذهبی و قومی معتقدان این دیانت، شرایط خاصی از روابط درون گروهی را برای آنها بوجود آورده که محافظت از داشته‌های کهن و معتقدات مذهبی را برای آنها سهل و آسان نموده است. لذا این دو نکته و زبان و گویش خاص «آرامی» که منداییان با آن تکلم می‌کنند، که در نوع خود بی‌مانند است، اهمیت تحقیق پیرامون آنها را بیش از پیش نمایان می‌کند.

همچنین اقامت طولانی در محدوده جغرافیایی خاورمیانه که مهد تمدن انسانی بوده است و در کنار آن مهاجرت‌های گروهی آنها در طول تاریخ و استقرار در سرزمین‌هایی چون فلسطین، بین‌النهرین و ایران اینان را از میراث داران تمدن‌هایی عظیم محسوب کرده است. چنانچه اکثر منابع مهم تاریخی چون ابن اثیر آنها را از مهمترین و قدیمی ترین اقوام بشر دانسته‌اند. چنانچه ابن اثیر در این مورد نوشته است: «زردشت پیامبر قوم مجوس در زمان بشتاسب ظهور کرد و بشتاسب و پدران‌ش و سایر فارسیان قبل از زردشت در دین صابئی بودند.» (ابن اثیر، ج ۱، ص ۱۵۶)

«صابئین» از جمله اقوام قدیمی تاریخ محسوب می‌شوند که در بسیاری از منابع تاریخی، ادبی و دینی دوره اسلامی نامی از آنها آمده است. دینی با این عنوان پیش از ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان مطرح بوده است، البته مرکز سکونت معتقدان به این آیین پیش از آن در سرزمین



فلسطین و پیرامون رود اردن هم ذکر شده است. آنان در اواخر دوره اشکانی، به واسطه فشارهای عبرانیان از آن منطقه به بین النهرین و سپس به جنوب ایران هجرت کردند. اعتقاد به مناسکی که آب روان در آن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، باعث شده تا در طول تاریخ مهاجرت آنان در حاشیه رودخانه‌ها صورت گیرد. چنانچه پس از استقرار در جنوب ایران محل سکونت آنها نزدیک مصب رود کرخه در تالاب‌ها و باتلاق‌های شمال غربی خوزستان در محدوده سوسنگرد و هویزه امروزی در استان خوزستان قرار داشته و تا امروز نیز ادامه یافته است.

مطالعه و تحقیق پیرامون صابئین به صورت پراکنده به وسیله محققان ایرانی و خارجی صورت گرفته است. اما این مطالعات به معرفی کامل، دقیق و همه جانبه آنها منجر نشده است. سابقه مطالعات پیرامون این قوم به نیمه دوم قرن ۱۶ م. و حضور پرتغالی‌ها در خلیج فارس و سفر آنها به خوزستان و بصره بر می‌گردد. در مقابل پرسش پرتغالی‌ها در مورد این قوم به آنها گفته شد که آنها خود را صابئه یا پیروان حوض‌های تعمید دهنده می‌دانند و چون پرتغالی‌ها به وطن خود برگشتند از وجود این طایفه گزارش دادند و از این پس بحث و مطالعات بسیاری صورت گرفت و بالاخره ده‌ها کتاب و مقاله درباره آنها نوشته شد.

بدیهی است که این تحقیقات وجوه مختلف زبانی، مذهبی، تاریخی، آداب و رسوم و ... را شامل شده است. در این میان در جریان گسترش جریان شرق‌شناسی و به دنبال آن ایران‌شناسی در خارج از ایران، این قوم مورد توجه قرار گرفتند که نتیجه همه این پژوهش‌ها همانا شناخت بیشتر این مذهب و مهم‌تر از آن کشف رمز زبان دینی آنها بود.

«نولدکه»، «لیدی دراور»، «ویدن گرن»، «نیکلاراست»، «میرچاه الیاده» و «رودلف ماتسوخ» از جمله مستشرقینی هستند که ضمن آشنایی یا تسلط بر زبان مندائی آثاری در معرفی آنان منتشر کرده‌اند که از روح محققانه و گستره اطلاعاتی نویسندگان نام برده حکایت دارد.

محیط طباطبائی و سید حسن تقی‌زاده نیز از جمله محققان ایرانی هستند که پیرامون این گروه به سلسله بحث‌ها و ارائه مقالاتی در خور توجه پرداخته‌اند. نتایج این مطالعات اگر چه مستند بر برخی ادله مستشرقین بوده است اما در جای خود قابل توجه است.

- منابع فارسی دیگری پیرامون تاریخ عقاید مناسک و آداب و رسوم صابئین منتشر شده که به ذکر عنوان چند نمونه اکتفا می‌گردد:

- قوم از یاد رفته، سلیم برنجی، ۱۳۶۷؛ صابئین یا یادگاران آدم، حاج کاظم پورکاظم، ۱۳۸۰؛ جستجو در تصوف ایران، عبدالحسین زرین‌کوب، ۱۳۶۹؛ صابئین مندایی، پرویز عجبیلزاده، ۱۳۷۶؛ تحقیقی در دین صابئین مندائی، مسعود فروزنده، ۱۳۷۷؛ تعمیدیان غریب، مهرداد عربستانی، ۱۳۸۳ و ...

به رغم دوری از محیط جغرافیایی جامعه تحقیق، در مدت بیش از هشت ماه ارتباط با آنها به دلیل همکاری بی‌دریغ بعضی از رهبران مذهبی آنها دریافت‌های علمی مطلوبی از تفکر، عقاید و مناسک آنها حاصل گردید.

اگرچه این قوم به واسطه نوع اعتقادات و زندگی گروهی و قومیتی خویش کمتر اطلاعات مربوط به مناسک خود را در معرض قضاوت دیگران گذاشته‌اند اما طی سال‌های اخیر بعضی از بزرگان آنها با علاقه‌ای وافر پاسخگوی پژوهشگران و محققان ایرانی و غیر ایرانی هستند. در این میان در مرحله پژوهشی این مقاله از همکاری بی‌دریغ آقای سالم چحیلی و برخی از هم‌کیشان ایشان برخوردار بوده‌ام. بیش از چهار ساعت ملاقات و مصاحبه با ایشان، مطالعه فیش‌های مقدماتی این مقاله و... از جمله الطاف بی‌شائبه ایشان در جریان این مطالعه بوده است که به این وسیله تقدیر می‌شود.

جامعه مورد تحقیق در این مقاله «صابئین مندائی» است. این گروه که در حال حاضر با حدود ۶ هزار نفر جمعیت از گروه‌های دینی و قومیتی ایران محسوب می‌شوند، در مناطق مختلفی از استان خوزستان به خصوص در مرکز شهر اهواز سکونت دارند. روش مطالعه و تحقیق در این مسیر مطالعه اسنادی- کتابخانه‌ای و همچنین استفاده از روش مصاحبه و مشاهده با استفاده از ابزار دوربین جهت تهیه فیلم و عکس است.

محور این مطالعه مناسک مذهبی صابئین مندائی با تأکید بر محور خوراک‌های آیینی این قوم است. اما از آنجا که برای پرداختن به این موضوع، اشاره به چرایی و چگونگی آن مناسک ضروری است، لذا موضوع خوراک‌های آیینی در ذیل تشریح مناسک خاص صورت می‌گیرد. از



طرف دیگر مطالعه و شناخت این آیین‌ها هم از مطالعه و کسب شناخت کلی این قوم جدا نخواهد بود.

در ضمن جهت تکمیل یافته‌های تحقیق، از نزدیک و طی چندین ملاقات حضوری با چند تن از صاحب‌نظران و پیروان این دیانت بحث و گفتگو شد. نتیجه این گفتگوها بسیار کارگشا و موثر بود. به خصوص که با حضور در مراسم مختلف امکان تهیه فیلم و عکس از این مراسم فراهم گردید. در همین اثنا امکان دسترسی به نشریه ماهانه «انجمن صابئین مندائی» و کتابچه‌ای با عنوان «دخرائی و لوفانی مراسم طعام آمرزش» دست داد و این موضوع بیشترین امکان را برای دستیابی به جدیدترین و در عین حال ملموس‌ترین مسائل این جامعه مذهبی برای این مطالعه فراهم نمود.

در پایان تذکر این نکته لازم است که در جریان مطالعه سریع این مقاله چه بسا زمینه ناهماهنگی در املاء کلمه‌ها به نظر برسد. بدیهی است این مسئله ناشی از تلاشی است که به منظور انعکاس عین املاء کلمه‌ها و انشاء خاص هر نویسنده در ارجاع منابع صورت گرفته است. لذا در ذیل هر عنوان از عناوین این مقاله ممکن است املاء خاصی از کلمه‌ها به نظر آید که با بخش‌های دیگر متفاوت باشد.

مناسک دقیقی و غیر قابل عدول مندائیان همراه با حضور روحانی و نمایندگان یا شاهدهایی که صحت عمل را بارها و به شکل آیینی مورد تأیید قرار می‌دهند، عاملی شده است تا فقط روحانیون و افراد مطلع خاصی اطلاعات دقیقی از این مناسک را در اختیار داشته باشند. قبل از هر چیز به منابع مکتوب نیز مراجعه شده است. البته در این گونه منابع که بسیار محدود است. مبحث خوراک‌های آیینی به عنوان یک موضوع مجزا مورد توجه قرار نگرفته است.

غذاهای معمول

چنانچه پیش از این اشاره گردید، زندگی عادی این قوم چندان از حیات مذهبی- اعتقادی آنان جدا نیست. موضوع این مقاله هم در دل زندگی و آداب مذهبی آنان جای می‌گیرد. لذا خوراک و نوع تغذیه آنان در شرایط معمول پیش از مبحث اصلی مورد توجه قرار گرفته است.



نگاه صابئین به خلقت و حیات، نگاهی ساده و به دور از پیچیدگی‌های فلسفی است. این نگاه به زندگی، لوازم و اسباب آن و ... تعریف خاصی داده که نمود آن را امروز به وضوح در گستره زندگی، لباس و خوراک آنها شاهد هستیم.

زندگی داخلی خانواده‌های صابئی معمولاً ساده و به دور از تشریفات است. بیشترین غذاهای مورد استفاده آنها در شرایط عادی و در مناسک مهم نان، دانه‌های گیاهی، بعضی از انواع طیور و بعد از آن ماهی است.

در حال حاضر و در ادامه اجرای دقیق آیین‌های مذهبی بعضی از خانواده‌ها و افراد متدین، از نگهداری گوشت و فریز کردن آن خودداری می‌کنند. لذا آیین ذبح در این خانواده‌ها در هر ماه یک بار و معمولاً در ابتدای هر ماه مندائی همراه با شرايطی جشن گونه برگزار می‌شود. در گذشته نه چندان دور و در حال حاضر نزد خانواده‌های متدین و در شکل سنتی پس از ذبح پرنده، جگر، دل، سر و گاه پاهای حیوان به صورت طبخ ساده (سوپ) به عنوان نهار استفاده می‌شود. در این گونه موارد، گوشت پرنده، معمولاً با طبخ ساده به عنوان شام و همراه با بعضی از نزدیکان و به صورت گروهی سرو می‌شود.

نوع دیگری از طبخ پرنده، به عنوان «خوراک شکم پر» بین این خانواده‌ها رواج دارد. در این خوراک، شکم حیوان با موادی که به نام محلی «حَشُو» پر می‌شود. حشو معجونی است متشکل از پیاز، سبزیجات معطر تفت داده شده همراه با دانه انار، نمک و ادویه. پس از آن پرنده شکم پر به صورت کباب یا سوپ طبخ می‌گردد.

انواع ماهی و دلمه سبزیجات نیز از غذاهای رایج در خانواده‌های صابئی است. گاه ماهی درسته تمیز شده و سپس ترکیبی از «حشو» را درون آن قرار داده سپس با الیاف نخل یا نخ پنبه‌ای سفید بسته می‌شود. پیش از این معمولاً ماهی به صورت ساده و با مقدار کمی آب پخته می‌شد اما در حال حاضر با استفاده از فر غذای مطبوعی آماده می‌شود. قلیه ماهی هم که از غذاهای رایج جنوبی است با استفاده از سبزیجات، آلو، کشمش و با استفاده از تکه‌های ماهی آماده می‌شود.

استفاده از انواع سبزیجات در برنامه غذایی خانواده‌های صابئین باعث شده است که انواع دلمه با استفاده از برگ کلم، بادمجان، فلفل، برگ انگور و غیره از جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ



خوراکی این قوم برخوردار باشند. گفتنی است، این گونه دلمه‌ها با استفاده از ترکیبی از برنج، حبوبات، سبزیجات معطر و بدون استفاده از گوشت آماده می‌شوند.

در سنت این قوم استفاده از گوشت شتر، خوک، پرندگان چنگال دار، گراز، گاو، اسب و گوسفند ماده مجاز نیست. چه اینکه «درگزاربا» (کتاب مذهبی) آمده است که حیوانات حلال گوشتی را که بارور می‌شوند ذبح نکنید. (همان، ص ۲۲۱)

کشاورزی و صید دو شغل پیروان آدم و یحیی معرفی شده اند. زیرا پیامبران صابئین به کار فلاحه مشغول بودند. چنانچه «حضرت آدم زمان مدیدی را به فلاحه مشغول بود.» (برنجی، ۱۳۶۷، ص ۵۶) و حوا و آدم برای رفع حاجات مادی خود به جنب و جوش افتادند. «نخست آنان از نباتات تغذیه نمودند ولی بعدها با راهنمایی خداوند راه چاره را یافته و به فلاحه و کشاورزی مشغول شدند.» (همان، ص ۵۴)

لذا بر اساس آنچه گفته شد، صید ماهی و پرند و در کنار آن گرایش به استفاده بیشتر از انواع سبزی، میوه و در موارد کمتری حیوانات از ارکان اصلی سفره خانواده‌های متدین مندائی محسوب می‌شود. توجه دقیق به منابع مقدس عدم گرایش و حتی تنفر از ذبح حیوانات را نشان می‌دهد. نگاه به جدول غذاهای دینی آنها در مراسم مختلفی چون عاشوریه، لوفانی، ایام روزه، تعمید، عقد و ... علاقه بیشتر به غذاهای غیر گوشتی به خوبی نمایان است. نگاهی به فهرست خوراکی های مختلف در مراسم و اعیاد مندائیان شدت استفاده از حبوبات و میوه آشکار است. (فروزنده، ۱۳۷۷، صص ۲۴۵-۲۴۶)



مناسبت	خوردنی‌ها	
۱/ عید فل	نان و خرما و کنجد	
۲/ دهوا حنینا (عید کوچک)	نان، ماست، برنج و خرما و کنجد	
۳/ ایام پنجه (پروانایا)	کبوتر، نان، پیاز، نمک، آب، انار، خرما، مغز گردو، سبزیجات و میوه‌جات، مغز بادام، انجیر و کشمش.	
۴/ عاشوره (برای مردگان طوفان نوح)	حلیمی مرکب از: گندم، نخود، لوبیا، ماش، عدس و باقلا.	
۵/ ماهی یا کبوتر یا گوسفند نر، نان، خرما، انار، به، مغز بادام، مغز گردو، سبزیجات و میوه‌جات، یک کبوتر، نان مقدس، گردو، خرما، دانه انار، کشمش و پیاز		
۶/ لوفانی (برای مردگان)		
مراسم اعطاء درجه کهنانت		

ذبح

«نخورید خون حیوانات، و نه آنکه مرده است، و نه آنکه آبستن می‌شود و نه آنکه ناتوان است و نه آنکه بچه‌زا است و نه آنکه می‌ایستد و نه آنکه حیوان وحشی بر او افتاده باشد (زخمی شده باشد)، بلکه حیوان را بشوئید، پاک کنید، طاهر نمایید، ذبح کنید، بشوئید و بپزید و دعا کنید و بخورید.» گنزاربا- گنزای یمین.

نزد صابئین برای ذبح حیوان اولین نکته قابل توجه این است که «حیواناتی را که بارور می‌شوند ذبح نکنید» (گنزاربا) لذا اولین شرط حیوان برای ذبح «نر» بودن است. پس از آن اطمینان از سلامت حیوان شرط بعدی است. به رغم عدم گرایش به گوشت در سفره‌های مذهبی این قوم،



در شرایط معمول و به صورت محدود از مواد گوشتی نیز استفاده می‌شود. لذا در اولین قدم جهت استفاده از این‌گونه مواد غذایی موضوع ذبح آیینی حیوانات مطرح می‌شود. در تعالیم صابئین انسان و خلقت از دو بن‌مایه نور، نیکی و خوبی و در مقابل آن تاریکی، شر و بدی آمیخته شده است. بالاترین درجه و مکان در نظر آنان «الما دنهورا» (Âlmâ Denhurâ) است. عالم نور و روشنی که در منتهی‌الیه شمالی کائنات است. محل استقرار ملکها و اثراها و بالاخره کلیه موجودات نورانی است. در رأس این عالم نورانی نیز خدای متعال یا هیّی (Hayyi) به معنی زندگی و حیات قرار دارد.

از آنجا که «حیات و زندگی» مهمترین خصیصه خدای منزّه و پاک تلقی می‌گردد و هر آنچه که به نوعی نقض حیات تلقی گردد گناهی بزرگ محسوب می‌شود. لذا قتل نفس از بزرگترین گناهان است. اینجاست که ذبح حیوان نیز لازم است با مناسک خاص صورت بگیرد تا با گذر از فرآیند منسکی خاص این عمل غیر مطلوب مجاز تلقی گردد.

در این جهان‌بینی، حیوانات چهارپایی که روی زمین راه می‌روند و تعلق به عالم زیرین دارند، از موقعیت پست‌تری نسبت به حیواناتی که از تماس مستقیم با عالم زیرین دور هستند برخوردارند. زیرا امکان پرواز برای آنها شرایط نزدیک شدن به آسمان و دوری از عالم ظلمانی را فراهم نموده است. پس از آن ماهی‌ها هم که شرایط حیات در آب که مظهر «هیّی» و تجلی نمادین او در جهان محسوب می‌شود، قرار می‌گیرد.

در تعالیم صابئین حلال بودن حیوان به معنی برخورداری از فلس برای ماهی‌ها و نداشتن مو و دم برای حیوانات، عنوان شده است. لذا استفاده از انواع پرندگان و ماهی‌های دارای فلس توصیه می‌شود و پس از آن با این توجیه که گوسفند نر دارای دم و مو نیست بلکه دنبه و پشم دارد، در مرتبه بعدی قرار می‌گیرد.

یکی از کارهایی که با آیین خاصی توسط صابئین صورت می‌گیرد، ذبح است. وجود احکام، مناسک، بوته‌های مخصوص و شرایط خاص برای ذبح‌کننده و ذبیحه حکایت از اهمیت این عمل آیینی نزد آنان دارد.



بیش از هرچیز توجه به این نکته لازم است که عمل ذبح جز در «ایام پنجه» شب هنگام اجرا نمی‌شود و حرام است. برای ذبح، کسی که آیین ذبح را انجام می‌دهد، لازم است از شرایط خاصی برخوردار باشد. از جمله سلامتی کامل، لباس مخصوص (رسته)^۱ یا دشداشه Deš.dāšeh همراه با چفیه و همپانه (کمر بند مخصوصی که از تکه‌های لباس تعمیر محسوب می‌شود) بر تنش داشته باشد. پیش از هر کاری طماشه Tamašeh (شستشوی دست‌ها با آب جاری قبل از ذبح) نیز ضروری است.

همچنین پرنده یا حیوانی که برای ذبح در نظر گرفته شده است باید از شرایطی برخوردار باشد. از آن جمله اطمینان از عدم بیماری و سلامت کامل آن، به این معنی که هیچ گونه نقصان و یا اضافاتی بر بدن حیوان نباشد. زیرا این نقصان و یا اضافات می‌تواند از بیماری حیوان حکایت کند. قبل از ذبح لازم است که حیوان با آب جاری شستشو داده شود یا طماشه گردد. (به این معنی که آب جاری بر حیوان پاشیده شود).

ابزار ذبح عبارت است از کارد آهنی بُران که در آتش گذاخته افکنده شده باشد. این کار به منظور زودن هر گونه ناپاکی و آثار چربی بر آن است. در ضمن اگر کارد از دسته چوبی برخوردار نباشد، لازم است از درخت بی‌ثمری، بید یا گز، یک تکه چوب را با دسته آن کارد جفت نموده و سپس عمل ذبح صورت بگیرد.

به دنبال مطالعه منابع و مصاحبه‌های حضوری با صاحب‌نظرانی از این قوم در این مورد در تاریخ ۸۶/۴/۱۵ رأس ساعت ۵ بامداد با هماهنگی قبلی شاهد اجرای مناسک رشامه، براخه و پس از آن مناسک ذبح آنان بودم.

این مناسک پس از پوشیدن لباس رسته توسط یکی از متدینین و آشنایان به تعالیم مندائی (حلالی) و با حضور یک نفر به عنوان شاهد (اشکندا)^۲ در کنار رودخانه کارون و در مرکز شهر اهواز صورت گرفت. تا پیش از آغاز مناسک تعدادی از بانوان مندائی که از ساعاتی قبل منتظر ذبح حیوانات همراه خود بودند، با استفاده از آب رودخانه پرندگان آماده ذبح را طماشه کرده و آنها را به حلالی (ذبح کننده) می‌سپردند. در این مرحله است که مناسک آغاز می‌شود.



پیش از هر کاری ذبح‌کننده دست‌ها را تا آرنج، سه بار در آب رودخانه می‌شوید. سپس حیوان را نیز سه بار همراه با قرائت بوئه مخصوص با آب رودخانه طماشه می‌کند. پس از آن از سلامت ذبح‌کننده و حیوانی که ذبح می‌شود اطمینان حاصل می‌شود. سپس هرگونه مواد، نخ، پابند و... پلاستیکی از بدن حیوان جدا می‌گردد. زیرا این‌گونه مواد طماشه نمی‌شوند. همچنین لازم است هرگونه رنگ و یا ترکیب شیمیایی که مانع از طماشه کامل حیوان می‌شود قبلاً از بدن، پر، پشم و یا پوست و مو حیوان پاک گردد.

آیین ذبح از ابتدا تا آخر همراه با قرائت بوئه‌های مخصوص هر مرحله صورت می‌گیرد و این در حالی است که اشکندا یا شاهد این عملیات، بالای سر ذبح‌کننده ایستاده و ضمن اشاره به عملیات صورت گرفته شده هر مرحله از آیین مذکور را با ذکر جمله «من شاهد هستم» مورد تأیید قرار می‌دهد. ضمناً آغاز و پایان این آیین با ذکر نام و یاد خدا همراه است.

ذبح‌کننده که لباس مخصوص مناسک (رسته) بر تن دارد، برای ذبح پرنده دست‌ها و حیوان را با آب رودخانه طاهر کرده و سپس پرنده را در دست چپ طوری گرفته که بال‌های پرنده در کف دست و سر آن در اختیار انگشت شصت و انگشت سبابه قرار گیرد. در این حالت او رو به شمال نشسته و با خواندن بوئه مخصوص شروع به ذبح می‌کند.

قابل توجه است که حین ذبح و پس از آن پرنده نباید با زمین و هیچ گونه وسیله‌ای تماس داشته باشد. از آنجا که عمل ذبح جز به ضرورت صورت نمی‌گیرد پس از پایان عملیات در حالی که آب بر دست و کارد خونی او ریخته می‌شود و یا در آب جاری دست‌ها و کارد را می‌شوید. در این مرحله به منظور عدم انتشار هرگونه آلودگی و خون سر حیوان میان دو بال او قرار گرفته و به صاحب آن سپرده می‌شود. در پایان با خواندن بوئه مخصوص از خداوند به خاطر این عمل طلب آمرزش و استغفار می‌کند. از آنجا که پس از پایان ذبح، باید از تماس پرنده با زمین و یا چیزهایی که طماشه نشده‌اند خودداری کرد. لذا بانوانی که تا این مرحله شاهد اجرای مناسک بوده‌اند، پس از پایان ذبح هر حیوان، لاشه را در سبد، پارچه و یا ظرفی که پیش از آن طماشه شده است، قرار داده و با سکوت و آرامش ساحل رودخانه کارون را ترک نمودند.

برای ذبح گوسفند نیز چون پرندگان، لازم است «حلالی» لباس رسته را بر تن کرده و کارد آهنی را که قبلاً در آتش گداخته قرار داده است در اختیار داشته باشد.

پس از آن دست‌ها و حیوان تطهیر شده و حیوان را روی «چباشه که عبارتست از مقداری کاه خشک و شسته شده و تمیز یا نی یا سر شاخهٔ بعضی از درختان مانند بید و گز، که آن را روی زمین قرار می‌دهند تا ذبح از زمین ارتفاع داشته باشد ... آنگاه دستان و پاها را گوسفند را با طناب‌هایی از نخ و یا پارچه سفید و نیز از الیاف خرما بسته و رو به شمال قرار می‌دهند که در این هنگام ذبح دستان خویش را با آب پاک طاهر کرده و به سوی حیوان می‌آید و با ذکر نام خدا و همچنین تلاوت بوتهٔ مخصوص شروع به بریدن سر حیوان می‌نماید...» (برنجی، ۱۳۶۷: ص ۵-۲۶۴)

پس از آن شستن دست‌ها و کارد همراه با قرائت بوته‌های مخصوصی صورت می‌گیرد. در ذبح حیوانات به جز پرندگان، نکات مهمی قابل توجه است و آن اینکه پس از پایان عملیات ذبح، ذبح کننده لازم است مشعلی از نی آماده کرده و به مقعد و گلوگاه حیوان و زمین یا محلی که خون روی آن پاشیده شده، نزدیک کند. پس از آن نیز مقداری نمک به گلوگاه و مقعد حیوان پاشیده می‌شود. (یکی از بزرگان این قوم این عملیات نهایی را در راستای میکروب‌زدایی می‌داند.) قابل توجه اینکه در تمام مراحل ذبح گوسفند نیز لازم است یک شاهد یا «اشکندا» حضور داشته باشد و در تمام مراحل با تکرار جملهٔ «من شاهدم» بر صحت اجرای مناسک گواهی دهد.





خوراک در تعمید (تعمید / مَصوتا / مَصبتا)^۳

تعمید، اصلی‌ترین و محوری‌ترین منسک صابئین است. این عمل فقط توسط روحانی و در حال حاضر معمولاً در روزهای یکشنبه و روزهای عید انجام می‌شود.

هر مندایی، اعم از زن و مرد، حداقل یک بار باید تعمید شود. نوزاد ۳۰ روز پس از تولد، زنان ۳۰ روز پس از زایمان، عروس و داماد قبل و بعد از ازدواج باید تعمید شوند. گاه تعمید به عنوان کفاره اعمال خلاف شرع نیز انجام می‌گیرد.

شکل انجام مراسم، لباس مخصوص، بوته‌ها و زمان تعمید برای زنان و مردان تفاوتی ندارد. جز اینکه زنان صابئی ایرانی معمولاً برای رعایت عرف و از آن جهت که مراسم در ملاء عام و در کنار رودخانه انجام می‌گیرد، عبایی بر سر یا دوش می‌گذارند.

لباسی که هنگام تعمید بر تن می‌کنند (رسته)، عبارت است از:

۱. پیراهن سفید بلند (سُدر)، که از پارچه‌ای نخی، ساده و با حداقل برش و دوخت تهیه شده است؛

۲. بَرزَنقاهورا (Barzanghārā)، (بَرزَنقا به معنی عمامه و هورا به معنی سفید)؛

۳. هِمیانه (Hemyāneh)، از جنس پشم سفید یک سر آن رشته رشته است و یک سر آن حلقه و به شیوه خاصی بسته می‌شود. (با یاد ۶۰ خانواده اُثرایی با ۶۰ رشته بافته می‌شود).

۴. شَروارا (šal.vārā)، شلوار سفید رنگ و با پارچه نخی؛

۵. نَصیفه (Nasifeh)، شالی که به دور گردن انداخته می‌شود.

پوشیدن رسته کامل برای مراسم تعمید واجب است. اما برای انجام رَشامه و بَرَاخه فقط بستن هِمیانه - که معمولاً به همراه آن دستار نیز پوشیده می‌شود ضروری است. دقت در نحوه پوشیدن این لباس از اهمیت بالایی برخوردار است. زیرا عدم صحت در پوشیدن لباس موجب بطلان تعمید می‌شود. لذا صحیح پوشیدن آن توسط روحانی مورد بازبینی قرار می‌گیرد تا از

صحت عمل اطمینان حاصل گردد. به ویژه همیانه و دستار که در این میان از اهمیت بالاتری برخوردار هستند.

رسته را می‌توان گویای نمادینی از آیین‌های مندائی محسوب کرد. چنانچه رنگ سفید آن را می‌توان اشاره‌ای به پاکی عالم نور دانست و همیانه با ۶۰ رشته بافته شده به ۶۰ خانواده‌ی آثرائی اشاره دارد که در اعتقاد صابئین، به همراه فرزندان آدم اولین هسته‌ی جامعه‌ی بشری را بنیاد نهادند. در مرحله‌ای از تعمید، نانی که با مناسک خاصی با آرد و آب رودخانه طبخ شده است (پَها یا نان مقدس) مورد استفاده قرار می‌گیرد. در برخی منابع آمده است این نان توسط روحانی طبخ می‌شود. اما در مصاحبه‌ی حضوری از این منظر اظهار بی‌اطلاعی شده و معلوم گردید که این نان توسط زنان مندائی اما با استفاده از آب رودخانه و آرد و بدون هیچ گونه مواد افزودنی چون مایه‌ی خمیر طبخ و آماده می‌شود.



قرص‌های کوچک نان را که خمیر آن با آب رودخانه آماده شده است روی ذغال‌هایی که قبلاً درون ظروف گلی قرار داده‌اند گذاشته و مستقیم روی آتش قرار می‌دهند.^۴ پس از آماده شدن، روحانی این نان را به قطعات کوچکتری تقسیم می‌کند تا در مناسک مورد استفاده قرار گیرد.



در اولین مرحله تعمید افراد به کنار رودخانه رفته و پس از اطمینان روحانی از صحت پوشیده شدن رسته و اعلام آمادگی برای تعمید، مراسم آغاز می‌گردد.

پیش از هر اقدامی روحانی با خواندن ادعیه مخصوص به پاکسازی محیط تعمید می‌پردازد، «تا دیوها و موجودات شریر از محیط تعمید دور شده و فرشته‌های نورانی به خصوص شلمی و ندوی که پاسدار آب‌های روانند حاضر گردند.» (فروزنده، ۱۳۷۷: ص ۲۴۸)

پس از آن مناسک با دقت، ترتیب و توالی و همراه با قرائت بوته‌های مخصوص و حضور روحانیون به انجام می‌رسد. یکی از این مناسک تقسیم نان و خوراندن آب در مرحله‌ای خاص از این ترتیب و توالی است.

مرحله خوراندن خوراک مخصوص، پس از پایان بخش اول تعمید یعنی زمانی که مناسک و قرائت بوته‌های مخصوص در آب رودخانه به پایان رسیده، عملی می‌شود.^۵ در این زمان تعمیدشونده کنار بخوردان، روی سنگی که از آن به عنوان صندلی استفاده می‌شود، نشسته و بخوری با عنوان «سندلوس» در بخوردان گلی که برای این منظور در نظر گرفته شده، ریخته شده است.

در همین اثنا، ضمن خواندن بوته‌های مخصوص، روحانی ظرف کوچک برنجی مخصوص (کپتا) که محتوی روغن کنجد است، برداشته و با چهار انگشت دست راست و از راست به چپ از آن روغن به پیشانی تعمید شونده می‌مالد (رشمه). پس از آن روحانی ضمن خواندن بوته‌های مخصوص و شهادت به صحت مناسک، از نان مخصوصی (پهتا) که از قبل آماده شده است به تعمید شونده می‌خوراند. نان مقدس بین تمام خوراکی‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در منابع مذهبی صابئین مندائی، بارها از این نان یاد شده است. چنانچه در سروده قلستا، بوته‌های ۱۷۵ و ۱۷۶ چنین آمده است:

به نام خداوند بزرگ

من نان مقدس (پهتا) سفید هستم.

من (به شکل) مخلوقی از نور به وجود آمده‌ام.



من نان مقدس (پهتا) سفید هستم.
 زیرا یاور زیوا حمل کننده من بود.
 خالق من یاور زیوا که مرا از گنجینه‌اش
 آورد.
 یاور زیوا مرا برد و به انصا و زیوا داد.
 انصا و زیوا مرا برد و به زرزبیل انهورا داد.
 زرزبیل انهورا مرا برد و به هیل زیوا
 داد.

هیل زیوا مرا گرفت و به دنیای خاکی برد. او مرا گرفت و پایین آورد و در دنیای خاکی جای داد.
 به عنوان غذای آدم و پسرانش، در زمانی که اولین نسل وجود داشت. (فروزنده، ۱۳۷۷: ص ۲۴۶)
 مقدس بودن نان و آب نزد صابئین برگرفته شده از آدابی است که با برپاداشتن آن و خواندن
 بوته‌های خاص به دست می‌آید. چنانچه با پایان یافتن دعای کامل یا رهمی، که شامل خواندن
 تمام کتاب اِینانی است نان عادی (لحما) به نان مقدس (پهتا) (Pehthā) و آب رودخانه به آب
 مقدس (مبوها/ ممبوغا) تبدیل می‌شود. از این جهت است که برای خوردن این نان و آب
 مقدس لازم است ابتدا دست راست فرد با آب رودخانه طُماشه گردد.

در مرحله بعد روحانی «کپتا» یا همان کاسه برنجی را از آب رودخانه «مَمبوها» (Māmbōhā)
 (پر کرده و با دست راست به تعمید شونده می‌دهد تا بنوشد.



پس از آن روحانی در
 حالی که دست راستش را
 در دست راست تعمید
 شونده می‌گذارد مراسم «اید
 کشط» را انجام می‌دهد. به
 این معنی که از او عهد و
 پیمان می‌گیرد تا بر عهد و



پیمان بسته شده وفادار بماند. آنگاه روحانی از تعمید شونده می‌خواهد تا با دست راست آب را اشاره کرده و با خواندن بوته‌های مخصوص آب پاک و جاری را به شهادت بگیرد. در این مرحله تعمید شونده با اشاره دست روحانی به پا می‌خیزد و شنونده بوته‌های جدیدی خواهد بود که برای آموزش او، مربیان، روحانی تعمیدگر، پدر، مادر، معلم، مربی و... خوانده می‌شود. سپس روحانی اضافه دستار یا «پندامه» را از صورت باز کرده و شروع به خواندن دعائی برای آموزش روح خویش می‌کند.

در مرحله بعد نوبت به آیین خوراک برای روحانی می‌رسد. روحانی پس از اینکه نان و آب مقدس را می‌خورد، دست راست خود را در دست «اشکندا» یا «شاهد» که در طول مراسم حضور داشته و شاهی بر آن بوده است گذاشته و عهد و پیمان خود را مبنی بر پاکی و استواری در مقابل سختی‌ها تجدید می‌نماید.^۶ این آخرین مرحله از آیین تعمید است که با تبریک به تعمید شونده پایان آن اعلام می‌گردد.

خوراک در مناسک ازدواج

یکی از مناسک صابین که با دقت و وسواس صورت می‌پذیرد، مراسم مربوط به تعمید و انعقاد پیمان ازدواج است.

از آنجایی که پرداختن به مناسک ازدواج در حیطه موضوع مقاله جایگاه خاصی ندارد، سعی می‌شود با اشاره‌ای گذرا به کلیت اجرای این آیین به منظور اصلی مقاله، یعنی نقش خوراک در این منسک، پرداخته شود.

اتاق طبقه دوم «مندی»^۷ در خیابان خسروی در مرکز شهر اهواز، محلی برای برنامه‌ریزی و تهیه مقدمات و اجرای بعضی از مناسک است. امکانات، اعلان‌ها، تابلوها و... که در این اتاق وجود دارد حکایت از زمینه‌های اولیه برگزاری مناسک ازدواج دارد. از آن جمله اعلامیه‌هایی که در چند زاویه اتاق تعبیه شده است و از تعیین وقت قبلی برای مناسک تعمید و مقدمات ازدواج خبر می‌دهد.

یکشنبه قبل از برگزاری مناسک لازم است عروس و داماد به اتفاق مادر عروس و یکی از وابستگان داماد در مندی حاضر شده تا اطلاعات و آموزش‌های لازم به آنها داده شود. در عین حال اطمینان از ملوашه^۸ عروس و داماد، باکره بودن عروس^۹ و ... در طی همین دیدار صورت می‌گیرد.

در حال حاضر این مراسم در روزهای یکشنبه (چنانچه ضروری باشد هر روز) از ساعات اولیه صبح آغاز می‌شود. در صورتی که تعداد عروس و دامادها کم باشد، تعمید جدا و به صورت تکی و در غیر این صورت به شکل دسته جمعی صورت می‌گیرد. معمولاً ابتدا عروس‌ها در دو مرحله و سپس دامادها و آنها نیز در دو مرحله تعمید می‌شوند. گاه مرحله اول تعمید، فردی و تعمید دوم به صورت جمعی صورت می‌گیرد.

پس از پایان مراسم تعمید، گروه حاضر و عروس و داماد به «مندی» یا عبادتگاه منتقل می‌شوند. عروس به محوطه‌ای (به نام اندرونی) که پیش از آن آماده شده است منتقل می‌شود. داماد نیز در محوطه اتاقک شکلی که با «نی» ساخته می‌شود مستقر می‌شود. اتاقک نی‌ای (اشختا) از ۲۴ نی ساخته می‌شود و دارای ۱۲ ستون بوده بطوری که هر ستون از دو نی ساخته شده است. این نی‌ها با الیاف خرما (به صورت افقی) مستحکم شده‌اند. سپس این اتاقک نی‌ای با پارچه

سفیدی از سقف پوشیده می‌شود. در

اشختا به سوی شمال باز می‌شود. این اتاقک ابتدا به وسیله گزورا (روحانی ارشد) با خواندن بوته‌های مخصوص از انواع آلودگی‌ها و موجودات شرور پاک می‌شود. لذا طی اجرای آیین‌های مخصوص جز معتقدان صابی کسان دیگری اجازه ورود به این محوطه را ندارند.



این مناسک پس از آن شامل سه مرحله است: ۱. عهد گرفتن از عروس و داماد، ۲. خوردن غذای مشترک آیینی، ۳. دادن و گرفتن هدیه.

در اولین مرحله هدیه‌هایی (معمولاً پوشاک) از سوی داماد و از درون اشختا برای عروس برده می‌شود. سپس «ترمیده» به عنوان نماینده گنزورا نظر عروس را در اعلام رضایت می‌گیرد. عروس نیز به عنوان اعلام رضایت، هدایای داماد که معمولاً مشتمل بر دو عدد انگشتر فلزی (اعم از طلا و غیره) دارای نگین قرمز و نگین سبز، مقداری گردو، بادام و کشمش و شیرینی است، را می‌پذیرد.^{۱۰}

در این مرحله ترمیدا^{۱۱} دقت می‌کند تا عروس «رسته» اش را که به دلیل خیس بودن عوض کرده به خوبی به تن کرده باشد. از هدایای خوراکی داماد بخورد و انگشترها را به دست کند. سپس ترمیدا یا پدرخوانده عروس بر دست‌های عروس آب می‌ریزد تا طماشه شود. (اول دست‌ها آب کشیده می‌شود و سپس خوراکی‌ها خورانده می‌شود) و بوته‌های مخصوص این مرحله که شامل دعا برای خوشبختی عروس و داماد است خوانده می‌شود.

پس از اعلام موافقت عروس توسط ترمیدا، مراسم توسط گنزورا آغاز می‌شود. کتاب «قُلستا» که مخصوص مراسم ازدواج و حاوی بوته‌ها و احکام عقد و عروسی است محور این مناسک است. با قرار گرفتن داماد در سمت چپ گنزورا و شکسته شدن کوزه‌ای توسط «اشکندا» (شاهد) و گاه نوجوان یا کودکی که برای این مرحله در نظر گرفته شده است، مراسم اوج می‌گیرد. بر اساس مشاهده مراسم، هنگامی که داماد به اتفاق گنزورا و دو ترمیدا وارد اشختا شده و در کنار هم می‌نشینند، هشت «تریانا» را (ظروفی سفالی یا شبیه بشقاب گلی) که حاوی مواد خوراکی نان، پیاز، نمک، خرما، کشمش، مغز گردو، گوشت (که اغلب ماهی است)، کنجد، مغز بادام، میوه و سبزیجات است را وارد اشختا می‌کنند. گاه ماهی کباب شده، خرما و پیاز زیر نان‌ها

گذاشته می‌شود و روی نان‌ها را با میوه‌های فصل می‌پوشانند.

در بشقاب یا سینی دیگری نیز، زعفران، صابون و شانه و ... در اشختا قرار داده می‌شود.





این «تریانا»ها مقابل گنزورا گذاشته شده و او محتویات تریانای اولی را به هشت قسمت تقسیم کرده و در هشت تریانای جدید می‌گذارد. در عین حال ۲۶ قرص نانی را که از قبل آماده شده است در هشت تریانا جای می‌دهد. (هر تریانا سه قرص نان و دو قرص باقی‌مانده درون تریانه بزرگ و بقیه تریانه‌ها جای می‌گیرد). این دو قرص نان با آداب خاصی به مادر عروس داده می‌شود. به این صورت که پدر خوانده عروس ظرف محتوی آب رودخانه را با دو دست گرفته و دو قرص نان مقدس را زیر بغل گذاشته و در حالی که برای شستن دست راست عروس اقدام می‌کند، نان‌ها را به عنوان تبرک و هدیه به مادر وی تقدیم می‌کند.

پس از تقسیم مواد خوراکی در ظرف‌های مخصوص گنزورا، دو «ترمیدا»یی که در دو طرف او ایستاده‌اند سپس همه حاضران را به شهادت گرفته و خطاب به پدر عروس تقاضای آغاز مراسم عهد و پیمان می‌کند.

در این میان گنزورا که عالی‌ترین مقام برای اجرای این آیین است نان‌ها و همه خوراکی‌های موجود در تریاناهای که مقابل او، دو ترمیدا و داماد در محل اشختا قرار دارند به گواهی می‌گیرد: «من در مقابل این نعمت‌های خداوندی؛ نان، میوه، ماهی، پیاز، کنجد و... عقد و ازدواج این عروس (با عنوان ملواشه) و داماد (با عنوان ملواشه) را برگزار می‌کنم. این کار سه بار توسط او و همراه با گواهی گرفتن انواع مواد خوراکی که در ابتدا با خواندن بوته‌های خاصی به موادی پاک و متبرک تبدیل شده‌اند تکرار می‌شود.

در بخش دیگری از این آیین خوراکی‌های موجود در تریاناهای توسط گنزورا به شهادت گرفته می‌شوند. او خطاب به داماد و پدر آیینی عروس و با اشاره به ملواشه آنها چنین ادامه می‌دهد: من این عروس را با مقداری زعفران، چند سکه، چند انگشتر، مقداری چوبک (چوب‌های کوچکی که پیشتر از این برای شستشوی لباس مورد استفاده قرار می‌گرفت) مقداری عسل (یا شیرۀ خرما)، مقداری کره، چند لباس (که با پاشیده شدن آب رودخانه طماشه شده‌اند)، مقداری گندم خرد شده، یک بشقاب برگ گل قرمز خشک شده که با شکر قاطی شده و... به عقد داماد (ملواشه داماد) در می‌آورم.



در ادامه باز هم مواد خوراکی به میان می‌آیند. آمیخته‌ای از عسل (نمادی برای شیرینی زندگی) و کره (روغنی برای طراوت بخشیدن به دست‌ها) را که درون پوسته‌ای از گردو قرار دارد به صورت سمبلیک به دست‌های عروس و داماد مالیده می‌شود.

در جریان اجرای مراسم اصلی، پدر عروس در جایگاه آیینی خویش قرار می‌گیرد. به این معنی که زمانی که گنزورا برای اجرای مناسک نهایی وارد اشختا می‌شود. او و پدر آیینی عروس در مقابل «تریانای بزرگ» و پشت به شمال ایستاده و مناسک «ایدکشتا» (دست تعهد دادن) بین داماد و پدر عروس برگزار می‌شود. یعنی پدر آیینی عروس و داماد دست در دست هم روبروی گنزورا ایستاده و جملاتی را مبنی بر ادای عهد و پیمان به زبان می‌آورند. این مراسم با اسم «ملواشه» یا اسم مذهبی پدر عروس و داماد و عروس انجام می‌شود.

پس از پایان گفتن جملات بلندی که اظهار عهد و پیمان را در دل خود دارد. گنزورا که شاهدهی بر روند درست و صحیح اجرای مراسم است از داماد می‌خواهد تا دست خود را با نام خدا با آب بشوید تا آماده خوردن غذاهایی گردد که در تریانا است. سپس گنزورا خود لقمه‌ای را برای داماد آماده کرده و لقمه دیگر را نیز برای عروس فرستاده و وی نیز پس از طهارت دست راست آن را بر دهان می‌گذارد.



در حال حاضر تقسیم این لقمه‌ها توسط گنزورا عملی آیینی تلقی می‌شود که نمادی از نوعی آموزش و تقسیم مسئولیت‌های زندگی محسوب می‌شود.^{۱۲} نکته در خور توجه این است که بعد از خوردن این لقمه، مناسک اصلی مبنی بر عهد و پیمان عروس و داماد آغاز می‌شود. خوردن این لقمه‌ها پایان یک مرحله اصلی از مناسک را نشان می‌دهد که با هلله و شادی حاضران همراه است. در پایان، باقی‌مانده غذاها در تریانا به عنوان غذایی متبرک بین حاضران تقسیم می‌شود.

از اینجا به بعد، ضمن خواندن بوته‌های مخصوص، ترمیدا شال مخصوص سبز رنگ بر کمر داماد می‌بندد و گنزورا «کلیله» را بر سر داماد می‌نهد. در این مرحله بوته‌های ارشادی از کتاب «قلستا» توسط گنزورا و ترمیدا خوانده شده و مناسک ادامه می‌یابد. نکته جالب توجه این است که



آیین‌های مذهبی ازدواج با پاشیده شدن مخلوطی از برگ گل رُز، کنجد و شکر توسط ترمیدا بر سر عروس و داماد پایان می‌یابد.

مراسم مرگ: غذای دخرانی - لوفانی (Lōfāni/Laofāni)

در کتاب مقدس صابئین مندائی، گنزاربا یا صحف آدم، پس از توضیح مفصلی در باب توحید و وحدانیت خداوند به سخن پیرامون خلقت جهان و انسان می‌پردازد. به امر خداوند پس از تکمیل عالم نور «آلمادنهورا» آفرینش آسمان و پس از آن خورشید و ماه را در آن پرداختند. پس از آن در فضای لایتناهی ستارگان و کرات دیگر به امر خداوند خلق شدند.

سپس نوبت به آفرینش جهان خاکی «ارادتیل» و هفت طبقه بالای عالم خاکی «مطراثا» و طبقات زیرین «سوفات» و «سنیاویس» می‌رسد. پس از آن به امر خداوند و به وسیله فرشتگان، جسم آدمی از آب و گل و با عنوان آیینی «پغرا» آفریده شده است. در این مرحله است که به دستور الهی، روان آدمی «نشمتا» به همراه سه فرشته از عرش اعلی «آلمادنهورا» پایین آمده و برای به حرکت درآمدن جسم آدمی وارد جسم می‌شود.

آدمی که خلقت او مرکب از جسم مادی و روان غیر مادی است، مأمور انجام امور خیر و نیک و در عین حال، دستورهای کتاب مقدس و دوری از بدی‌ها می‌شود.



در این تعالیم، انسان پس از گذراندن دوره حیات مادی و رسیدن زمان مرگ اگر دستورهای گنزاربا را عمل کرده و از بدی‌ها و شیطنت‌ها که زاییده افکار شیطانی است پرهیز کرده باشد. به بهشت «آلمادنهورا» می‌روند. اینجاست که بر بازماندگان عمل به آیین‌های



خاصی به منظور یاد کردن در گذشتگان و طلب آموزش برای آنها از طریق طعام آموزش، دخرانی و لوفانی، واجب است.

لوفانی و دخرانی به معنی تجمع، پیوستن، یاد نمودن، درخواست آموزش و بخشش گناهان و آمرزیدن نشمتا (روان) برای متوفی است.

در تعالیم صابئین، گوهر انسانی یا نشمتا موجودی است متعلق به جهان نور. این وجود در جریان زندگی مادی به شکل اسارت به سر می‌برد و پس از مرگ زمینه آزادی و رهایی از جسم برایش فراهم می‌گردد. لذا مرگ به معنی فراغت یافتن نشمتا از جسم مادی است، که باید با خرسندی از آن استقبال نمود. بر همین اساس است که این آیین بازماندگان را از عزاداری، گریه و مویه منع می‌کند.

در آیین‌های مندائی، طماشه و تعمید پیش از مرگ آغاز می‌گردد و پس از مرگ، مناسک توسط حلالی‌ها و بدون حضور روحانیون صورت می‌گیرد. پس از پایان مناسک پیچیده غسل، تشییع و تدفین میت، مراسم لوفانی و دخرانی یا غذای آموزش برگزار می‌شود. این مناسک اگر پس از دفن میت در قبرستان اجرا نشود، لازم است چهار حلالی که طی انجام مناسک، مأمور دفن و اجرای دقیق این مراسم بوده‌اند اقدام به آماده کردن غذای آموزش کنند. اگرچه از روز تدفین تا ۴۵ روز پس از آن هر روز یک بار اجرای این مناسک لازم و ضروری است.

به باور آنها از روز دفن میت تا سه روز پس از آن، نشمتای میت بین محل دفن تا مندلتا در رفت و آمد خواهد بود و بالاخره پس از آن سفرش به اواثر آغاز می‌شود. این سفر تا ۴۵ روز پس از خاکسپاری به طول می‌انجامد.

مناسک مخصوصی در این فاصله از سوی بازماندگان بر پا می‌شود، به خصوص در روزهای سوم، هفتم، سی‌ام و چهل و پنجم که شامل برپایی مجالس ترحیم و انجام مناسک لوفانی-دخرانی است.

علت انتخاب این روزها عبارت است از اینکه روز سوم روح مرده سفر خود را به آسمان‌ها را آغاز کرده و در روز هفتم به آلماد اپناهیل (یکی از طبقات هفتگانه آسمان) می‌رسد. روز سی‌ام از طبقات هفتگانه گذشته و در روز چهل و پنجم به اواثر مزینا که محل داوری و سنجش اعمال



است، می‌رسد. در این میان خشنودی خداوند از اهداف اصلی مراسم لوفانی است که از طریق سیر کردن گرسنگان صورت می‌گیرد. این آیین در هر ساعتی از روز برگزار می‌شود، جز در ایام مقدس پنجه، که برگزاری آن در شب مجاز نیست.

همچنین یکی از مناسک مهمی که در ایام پنجه (بنجه) که عید پنج روزه و مهم صابئین است، غذای آمرزش یا لوفانی است. این ایام که در اصطلاح مذهبی «پروانایا» نامیده می‌شود، مصادف با اوایل فروردین ماه شمسی و حد فاصل ماه‌های «شمبلتا» ماه هشتم و «قینا» ماه نهم در تقویم مندائی است. در این ایام مندائیان علاوه بر تعمید، عبادت و قربانی یاد در گذشتگان را نیز در برنامه‌های مذهبی خود دارند. البته در ایام پنجه مناسک لوفانی-دخرانی به دلیل قداست ایام از ارزش والاتری برخوردار است.

خوراک‌هایی که برای مراسم لوفانی-دخرانی استفاده می‌شود عبارتند از: سه قرص نان کوچک یا بزرگ، یک تکه گوشت (گوشت گوسفند نر یا گوشت پرنده‌هایی چون کبوتر، مرغابی یا هر پرنده حلال گوشت دیگر)، ماهی، خرما، پیاز، انجیر خشک یا انجیر تازه، مقداری کشمش یا انگور، به یا تخم به، انار تازه یا دانه انار، مغز گردوی خام، مغز بادام خام، سبزی و میوه فصل، نمک و یک ظرف آب.

این غذا در روز اول و پس از خاکسپاری میت توسط چهار اشکندا یا حلالی، که مأمور انجام مراسم کفن، تشیع و تدفین بوده‌اند، تهیه می‌شود. اما در روزهای بعدی هر کسی می‌تواند غذا را آماده نماید تا جایگزینی برای مراسم یادبود و حاضر شدن بر مزار در گذشتگان تلقی گردد. شخص یا اشخاصی که قرار است بر سفره لوفانی-دخرانی حاضر شوند، لازم است لباس رسته را پوشیده و چغیه و همیانه را نیز طبق دستوری که در مناسک تعمید شرح آن گفته شد، بسته باشند.

دستور انجام مراسم دخرانی و لوفانی

ابتدا تخته یا سینی یا میزی برای این منظور در نظر گرفته می‌شود. بر روی آن پارچه نخی سفیدی که قبلاً طماشه و خشک شده است پهن کرده و مواد مذکور در بالا را با آب جاری طماشه کرده



بر روی میز یا تخته گذاشته سپس تکه گوشت کباب شده و یا پخته شده و قرص‌های نان و غذاهای از پیش آماده شده روی آن گذاشته می‌شود. افرادی که به این منظور آماده شده‌اند ابتدا کفش، جوراب، حلقه، انگشتر، ساعت و غیره را از خود جدا کرده و در حالی که رسته را پوشیده و یا حداقل همپایه بسته‌اند، روبروی هم در دو طرف میز یا سینی می‌نشینند. ابتدا دست‌ها با آب جاری طماشه شده و اگر یک نفر مسئول اجرای مناسک بود به طرف جنوب و پشت به اواثر (شمال) و اگر دو نفر یا بیشتر بودند روبه روی یکدیگر نشسته و ابتدا به روش منسکی مندائی به یکدیگر سلام گفته و یک نفر از جمع می‌گوید: «اسوئا نهویلخون» یعنی سلام بر شما و بقیه جواب می‌دهند: «اسوئا ادھی نهویلخ» یعنی سلام‌های خداوند بر تو باد. سپس دو نفری که مقابل هم نشسته اند سه قرص را نان را برداشته و در حالی که هم‌زمان نان‌ها را تکه می‌کنند بوئه زیر را سه بار بر زبان جاری می‌کنند:

«اشمدهی و اشمد مندادهی مد خرالخ یا طابثا ابھیلا دیاورزیوا و سیمات هی.» یعنی «ای نان نام خداوند بزرگ و نام ملکا مندا دهی فرشته مقرب درگاهش بر تو باد تا پر برکت شوی.»

سپس همه حاضرین، سه تکه کوچک از نان‌ها (به اندازه ناخن انگشت) را با نمک آغشته کرده و می‌خورند. پس از آن از خوراکی‌هایی موجود خورده و در انتها همه حاضران به صورت گروهی تکه‌هایی بزرگتر از نان‌ها را برداشته و از غذاهای موجود بر سر سفره در آن می‌گنجانند تا آنکه به صورت لقمه‌ای در آید که در دهان جا گیرد. در حالی که این لقمه را در دست راست نگه داشته‌اند به نوبت از آب موجود جرعه‌ای نوشیده و جمله‌های زیر را تکرار می‌کنند: «ابریخت ماری امشبت» یعنی «مقدس و عبادت شده‌ای ای خداوند» و بعد شخص حاضر کنار فردی که بعد از نوشیدن آب کلمات بالا را بر زبان آورده است در جوابش می‌گوید «اسوئا نهویلخ» یعنی «سلام و درود بر تو باد». البته نوشیدن آب و تکرار جمله‌های فوق برای تمام کسانی که قصد دارند در مراسم لففانی شرکت کنند ضروری است. پس از این، بوئه دخرانی که ترجمه آن در زیر می‌آید توسط همه شرکت‌کنندگان خوانده می‌شود.^{۱۳}

بنام خدای بزرگ

نام خداوند بزرگ و نام ملکا مندا دهی فرشته مقرب درگاهش بر تو باد ای سفره طعام.



پروردگارا این سفره حاوی غذای آمرزش را که ما برای طلب بخشایش روح عزیزانمان از تو خالق توانا گردد آورده‌ایم از ما قبول بفرما. این وظیفه ماست که غذای آمرزشی را برای رحمت مردگانمان از جانب تو یکتای لایزال فراهم آوریم. خداوند نام تو کلید همه نیکی‌هاست. پروردگارا هر آنچه که هست و نیست از آن توس، ای شفادهنده و بخشاینده مهربان از تو طلب بخشش و گذشت از گناهان این روح را داریم. الهی گناهان و خطاهای روح فرد در گذشته را و نیز کسانی که با نام تو این خوان طعام را گرد آورده‌اند و نیز گناهان آنان را که صدقه داده و از نیکوکارانند ببخش.

(ملواشه یا اسم دینی فرد متوفی) خدایا تو که صاحب این سفره طعام و نیز هرآنچه که هست و نیست، تو که ارحم الراحمینی از خطاهایش درگذر. الاها ما از تو برای پدر، مادر، مربی، همسر، فرزندان و معلم و هر آنکس که در تربیتش کوشیده و هر معمدی که وی را تعمید داده است تقاضای بخشش داریم.

پروردگارا فراهم آورندگان این طعام آمرزش را ببخشای (در اینجا فرد یا افرادی که بوته (آیه) لوفانی را بر زبان می‌آورند از جانب متوفی سخن می‌رانند)، ای والدین و ای معلمین و ای نیکوکارانی که مرا به طریق راست هدایت کردید، من برای شماها که از پرورش‌دهندگان روح و جسم من بودید از ایزد پاک و یکتا طلب آمرزش دارم.

زندگی همواره در تداوم است. شما هم همیشه در اطاعت از خداوندی که بزرگ و لایزال است و بوجود آورنده و خالق تمام موجودات است کوشا باشید. برای شما ای افراد گرد آمده بر سر سفره طعام که امر خداوندی را مطاع داشتید طلب مغفرت از درگاه احدیت دارم. قابل توجه است که بوته‌های دخرانی و لوفانی چنانچه در ایام عید پنجه باشد و یا برای چند تن از درگذشتگان برگزار شود، با تغییراتی خوانده می‌شود.

پس از پایان بوته ذکر شده، لقمه را در دهان می‌گذارند و سپس همان‌گونه که در ابتدای مناسک سه تکه از سه نان بریده شده را نمک زده و خورده‌اند، پایان آیین نیز به همان ترتیب عمل می‌شود و بدین ترتیب مراسم لوفانی- دخرانی به پایان می‌رسد. پس از این است که حاضرین می‌توانند از غذای موجود بر سفره استفاده کرده و میل کنند.



مناسک عاشوریه

یکی از آیین‌ها و سنت‌هایی که توسط صابئین مندائی هر ساله برگزار می‌شود، مراسم عاشوریه است. این آیین نیز به عنوان بزرگداشت در گذشتگان برگزار می‌شود. در این باره دو روایت اصلی موجود است. یک روایت که امروزه مورد پذیرش بزرگان این قوم نیست عبارت است از اینکه این مراسم، بزرگداشت در گذشتگانی است که در جریان مبارزه موسی با فرعون در نیل غرق شدند. به این معنی که در جریان مبارزه موسی با فرعون، موسی با عصای خویش دریا را به دو نیم کرده و پیروان خود را از دریا عبور داد. اما فرعون که برای تعقیب آنها به دریا وارد شد به اتفاق پیروان خویش در دل دریا غرق شدند. لذا به این مناسبت هر ساله تحت این عنوان این مناسک برگزار می‌شود.

زمینه دیگری برای این روایت وجود دارد که تاریخ اساطیری این قوم را در بر می‌گیرد. براساس آنچه در گنزاریا آمده است به دنبال قتل عام گروهی از مندائیان توسط یهودیان یَرامَلکا (فرخ ملکا) به خونخواهی آنها به پا خواست. در این درگیری یهودیان که تجربه عبور از دریا را در زمان موسی (ع) داشتند به قصد عبور از دریا اقدام کردند. اما گروهی از آنان غرق شدند. در این میان مندائیان نیز که به دنبال فرخ ملکا وارد دریا شده بودند با بسته شدن مسیر باز شده کشته شدند. البته درحال حاضر به دلیل استفاده از حبوبات و عدم استفاده از گوشت در برگزاری این آیین مندائیان ارتباط این جنگ را با این آیین رد می‌کنند. زیرا در جریان طوفان نوح (ع) است که تنها مواد موجود برای تهیه لوفانی حبوبات بوده است.

لذا روایت اصلی حاکی از برگزاری این آیین به عنوان بزرگداشت در گذشتگان طوفان نوح (ع) است و عبارت است از برگزاری عاشوریه یا همان غذای آمرزشی که بعد از طوفان نوح و به عنوان یادبود در گذشتگان آن طوفان برگزار می‌گردد. براین اساس اعتقاد بر این است که تا پیش از طوفان نوح (ع) همه بشر مندائی بوده‌اند و نوح (ع) برای احیاء این آیین ظهور کرد. چون اکثریتی این هدایت را نپذیرفتند عذاب الهی به شکل طوفان نازل شد. مندائیان معتقدند که مسافران کشتی نوح پس از یازده ماه سرگردانی بر روی دریا از کشتی پیاده شدند و اولین اقدام



آنها برپایی مناسک لوفانی یا غذای آمرزشی بوده است. این غذا به منظور آمرزش غرق‌شدگان طوفان نوح تهیه می‌شود تا وسیله‌ای برای شفاعت آنان نزد خداوند باشد.^{۱۴} در این روایت نوح و یارانش لوفانی را، که یادگاری مربوط به مناسک پیش از طوفان بوده، با استفاده از تنها غذایی که در جریان طوفان سالم مانده یعنی حبوبات برپا داشتند.

این مراسم در اولین روز از ششمین ماه مندائی یعنی سرطانا برگزار می‌شود. این ایام مطابق با حدود ۲۸ آذر ماه از ماه‌های شمسی است.^{۱۵}

اگر چه این آیین نیز به عنوان بزرگداشت در گذشتگان برگزار می‌شود. اما تفاوت‌هایی بین عاشوریه و مراسم لوفانی وجود دارد. به این معنی که رواج مراسم لوفانی به زمان پیش از طوفان نوح (ع) مربوط است. در آن زمان و امروزه با استفاده از مواد گوشتی برگزار می‌گردد. در حالی که عاشوریه پس از طوفان رواج یافته و فقط با استفاده از حبوبات برپا می‌شود.

در حال حاضر صابئین مندائی در این روز با استفاده از حبوباتی چون لوبیا، نخود، عدس، باقلا، ماش و گندم و برنج خوراکی شبیه حلیم آماده می‌کنند. حلیم عاشوریه با استفاده از آب رودخانه بدون هیچگونه ماده افزودنی چون نمک یا ادویه طبخ شده و به رسم یادبود عاشوریه بین دوستان و آشنایان خود توزیع می‌کنند. آنها نیز برای خوردن این خوراک لازم است قبلا با آب رودخانه دست خود را طماشه و طاهر کنند.

در یک نگاه کلی به شکل زندگی و آیین‌های این قوم سادگی تفکر و آداب مذهبی آنها به خوبی مشهود است. وجود نان، آب، انواع حبوبات، ظروف گلی، پوشیدن لباس ساده و بی‌آلایشی چون رسته همه گویای فلسفه‌ای از حیات است که بر محوریت پاکی روح و جدایی از عالم ماده قرار دارد. در این تفکر حضور گنجه‌ور یا عالم دینی و خواندن بخش‌هایی از کتاب‌های دینی است که این مواهب مادی را به غذاهایی مقدس و آسمانی تبدیل می‌کند. غذا و آبی که در این شرایط لازم است پیش از استفاده از آنها دست‌ها با استفاده از آب رودخانه طماشه و پاک گردند.

نزد این قوم آب رودخانه (جاری) پاکی بخش و مظهر حیات و همنام با «هی» یا خدای قادر است که ناپاکی‌ها را زدوده و از بین می‌برد. از این جهت است که در کلیه آیین‌ها این عنصر



حیات بخش دیده می شود. مکان مقدس از این منظر ساحل رودخانه و هر جایی است که امکان دسترسی به این عامل قدسی فراهم باشد.

این اهمیت در جلوه آب مقدس (مموها)، تهیه نان مقدس (پهتا) و شستشوی حیوان (طماشه) با استفاده از این آب نمایان است. این مثلث (مموها، پهتا، طماشه) با محوریت آب معرف سه رکن اصلی «خوراک‌های آیینی نزد صابئین مندائی» محسوب می شود. در این مختصر تلاش شد تا با ارائه تعریف دقیقی از این سه رکن «صابئین مندائی» از منظر خوراک‌های آیینی مورد مطالعه قرار گیرند.

پی‌نوشت‌ها

۱. رسته عبارت است از لباس آیینی خاص متشکل از پنج تکه که در مبحث تعمید پیرامون آن سخن گفته خواهد شد.
۲. اشکندا کسی است که در اجرای مراسم مذهبی علما را همراهی می‌کند.
۳. برای نگارش این مبحث علاوه بر مشاهده مستقیم مناسک، منابع زیر نیز مورد مطالعه، استفاده و استناد قرار گرفته است:
 - برنجی، سلیم، ۱۳۶۷ قوم از یاد رفته.
 - عربستانی، مهرداد، ۱۳۸۳ تعمیدیان غریب.
 - خمیسی، ساهی، ۱۳۸۳، صابئین قوم همیشه زنده تاریخ.
 - مشاهده‌های شخصی از مناسک مذکور.
۴. در مصاحبه و مذاکره‌ای که در این مورد با آقای چحیلی صورت گرفت، ایشان از پخت نان با استفاده از ابزاری فلزی (تابه) سخن گفتند.
۵. پس از اینکه رهمی (خواندن تمام کتاب انیانی)، که مرحله‌ای کامل از مراسم دعای روزانه است به اتمام رسید، روحانی این نان را به قطعات کوچکی تقسیم کرده و به تعمید شوندگان می‌خوراند.
۶. قابل تذکر است که در همه موارد روحانی شخصاً همه بوته‌ها را تلاوت می‌کند.
۷. مندی یا «مشکنا» معبد و مکان مقدس منداییان است. در این مکان مناسک مختلفی برگزار می‌شود، از آن جمله:
۸. ملوایشه عبارت است از اسم مذهبی صابئین که با شرایط و محاسبه‌های خاصی به آنها داده می‌شود. از این عنوان در بسیاری از مناسک یاد می‌شود.
۹. یکی از شرایط برگزاری مراسم ازدواج توسط روحانیون ارشد اطمینان یافتن از باکره بودن عروس است که طی مراسم خاصی حاصل می‌شود. در غیر این صورت مناسک عقد بدون حضور روحانیون ارشد و صرفاً به وسیله یک فرد آگاه به مناسک و آشنا به زبان و خط مندایی (حلالی) صورت می‌گیرد.
۱۰. اعلام پذیرش نیز به صورتی منسکی اجرا می‌گردد. به این معنی که عروس انگشتر دارای نگین قرمز را در انگشت کوچک دست راست و انگشتر با نگین سبز را در انگشت دست چپ می‌گذارد.



۱۱. در منابع اخیر و به خصوص در ضمیمه‌ای که آقای سالم چحیلی بر کتاب «صابئین یا یادگاران آدم» تألیف حاج کاظم پور کاظم نوشته‌اند. بر این موضوع که زنانی وظیفه واریسی لباس (رسته) عروس یا تعمیدشونده را برعهده دارند، تأکید دارند. (ر.ک. صابئین یا یادگاران آدم، ۱۳۸۰، انتشارات سرزمین خوز، ص ۱۳۶)
۱۲. این موضوع در جریان مشاهده این مناسک توسط حاضران عنوان می‌شد.
۱۳. شرح و تفصیل این مناسک و بوته‌های مربوط به آن با تفاوت‌هایی در دو منبع اصلی مربوط به صابئین آمده است. چنانچه آیین نوشیدن آشامیدنی این مناسک در کتاب قوم از یاد رفته نوشته سلیم برنجی پیش از گرفتن لقمه در دست راست آمده است و خواندن بوته اصلی یا لوفانی را در شرایطی می‌داند که شرکت‌کننده یا شرکت‌کنندگان این لقمه نهایی را در دست راست نگه داشته‌اند. این در حالی است که در کتابچه این مناسک که توسط آقای سالم چحیلی در اختیار اینجانب گذاشته شده است این ترتیب به شکل دیگری آمده است. لذا در این مبحث نوشته‌های کتابچه مذکور ملاک اصلی قرار گرفته است.
۱۴. جهت اطلاعات بیشتر ر.ک.:
 - برنجی، سلیم، ۱۳۶۷، قوم از یاد رفته، تهران، دنیای کتاب، صص ۲۲۶-۲۲۷.
 - ساهی، خمیسی، ۱۳۸۳، صابئین قوم همیشه زنده تاریخ، اهواز، آیات، صص ۵۰-۵۱.
 ۱۵. بر اساس جدول ماه‌های مندائی و معادل ماه‌های شمسی، برداشت از: عربستانی، مهرداد، ۱۳۸۳، تعمیدیان غریب، تهران، افکار، ص ۲۸۸.

منابع

- برنجی، سلیم، ۱۳۶۷، قوم از یاد رفته، تهران، انتشارات دنیای کتاب.
- پورکاظم، حاج کاظم، ۱۳۸۰، صابئین یا یادگاران آدم، سوسنگرد، سرزمین خوز.
- چحیلی، س.، ۱۳۷۱، دخرانی و لوفانی، اهواز، زیر نظر مندی.
- خمیسی، ساهی، ۱۳۸۳، صابئین قوم همیشه زنده تاریخ، پرسش و پاسخ درباره صابئین مندائی ۱، اهواز، آیات.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۶۵، لغتنامه، دانشگاه تهران، مؤسسه دهخدا.
- عربستانی، مهرداد، ۱۳۸۳، تعمیدیان غریب مطالعه‌ای مردم‌شناسی در دین‌ورزی صابئین مندائی ایران، تهران، افکار: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- فروزنده، مسعود، ۱۳۷۷، تحقیقی در دین صابئین مندائی (با تکیه بر متون مندائی)، تهران، سماط.
- ماتسوخ، رودلف، ۱۳۳۹، «مسأله قدیمی‌ترین تاریخ مذهب صبی و اهمیت آن برای تاریخ مذهب»، مجله فرهنگ ایران زمین، ج ۸، زیر نظر ایرج افشار.
- ماهنامه بیت مندا، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۵، زیر نظر «انجمن صابئین مندائی»، سال ۷، شماره‌های ۶۷، ۶۸ و ۶۹.

